

مقدمه بر جامعه شناسی شهری ایران^۱

الف - پدیده شهر نشینی

از پدیده های مهمی که در دو قرن اخیر در زندگی اجتماعی انسانها رخ داده است ظهور شهرهای متعدد تازه و توسعه یابی شهرهای کهن و پیشرفت شهرنشینی و تحول شگرفی است که نه تنها در سیما و نمای شهرها بلکه در احوال درونی آنها نیز بوقوع پیوسته است.^۲ این پدیده نتیجه مستقیم انقلاب صنعتی و تزرفی اقتصاد سرمایه داری است و نخست در کشورهای باختر زمین پیداشده سپس از پی رواج صنعت و بسط این شیوه اقتصاد بر زمین های توسعه نیافته نیز راه یافته است. تسلط اروپائیان بر بسیاری از ممالک ماوراء بحار هم از جمله علل انتشار شهرنشینی بود و شهرهای تازه مستعمراتی را که از جهات بسیار بشهرهای صنعتی اروپائی شبیه است بوجود آورد.

بنابراین آمارشناسان جمعیت اروپا در قرنهای بیابمی تا آغاز سده نوزدهم از صد و هشتاد میلیون نگذشته بود. اما از سال ۱۸۰۰ تا سال ۱۹۱۴ بچهارصد و شصت میلیون بالغ گشت و این رقم مهاجران بیشماری را که از اروپا بقاره امریکا روی نهادند در حساب نمی آورد. این افزایش شگفت جمعیت موجب آن شد که مردمان بجای پراکنندگی در مناطق گسترده روستائی گرد هم متراکم شوند و اجتماعات بزرگ شهری را که بخدمت صنایع بزرگ نوظهور درآمد فراهم کنند. تزاید سریع جمعیت شهرها و جلب روستائیان بمناطق شهری یکی از خصوصیات عصر است. میان سالهای ۱۸۰۰ و ۱۹۵۰ جمعیت شهرهای دارای بیست هزار نفر سکنه و بیشتر از ۲۱/۷ میلیون به ۵۰۲/۲ میلیون نفر رسیده است و بدین سان در طی صد و پنجاه سال ۲۳ برابر شده در صورتی که در همان فاصله زمانی جمعیت کل زمین فقط در حدود ۲ درصد افزایش یافته است. بر اثر این تجمع کثیر جمعیت، امری بظهور پیوست که در اصطلاح جامعه شناسان «پدیده انبوهی» خوانده می شود: همه جا بتوده های فشرده انسانی برخورد می شود، در ترازوی سیاست عامه و عقیده آنان وزنی پیدا می کند، مساکن شهری ناگزیر برباید خود را با این غلظت جمعیت سازگاری دهد، بناهای بسیار پهناور و مرتفع که شاخص شهرهای تازه است برپا می شود. تراکم جمعیت در تهران صنعتی گاه مایه حیرت است. بحساب جغرافیدان آلمانی «ویشل»^۳ هر مرحله از تکامل اقتصادی نسبت خاصی از تراکم جمعیت را ایجاب می کند. هنگامی که معیشت بر پایه شکار و ماهیگیری باشد مقدار تراکم حدود هشت نفر در یک میل مربع (۱۶۶ کیلو متر) است. این میزان در جامعه مبتنی بر

۱- Sociologie urbaine

۲- urbanisation

۳- Wiechel

معیشت شبانی ۸ تا ۲۶ نفر، در جامعه دارای کشاورزی ساده ۲۶ تا ۶۴ نفر و در کشاورزی پیشرفته ۶۴ تا ۱۹۲ تن می‌رسد. شهرهای صنعتی از این حدود هم فراتر می‌رود تا بجایی که در پارهای از آنها چندین هزار انسان در یک میل مربع زمین زندگی می‌کنند. شبهه نیست که این اندازه تراکم در همه جنبه های حیات فردی و اجتماعی مردمان تأثیر بسزا می‌کند. شدت انتشار بیماری‌ها فزونی می‌گیرد. مسأله عبور و مرور و حمل و نقل از کرانه‌های شهر که محل سکونت است بمرکز شهر که جایگاه اساسی کسب و کار و اداره است مشکلی بزرگ می‌شود. امر تأمین آذوقه و برآوردی نیازهای مردم روز بروز سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد. مهاجرت روستائیان که در طلب کار با امید مزد بیشتر و زندگی بهتر و آسایش بیشتر به شهرها روی می‌آورند و خانواده و نحوه زندگی اجتماع دهقانی رازهای می‌کنند، دشواریهای جدید پیش می‌آورد. نظام‌های اجتماعی دیرینه از هم می‌پاشد، رشته‌های استواری که دهقان را با خانواده و همسایگان می‌پیوست اندک اندک کسبخته می‌شود و فرد خود را در محیط نا آشنا و دیرمهر شهر بزرگ تنها و بیگانه حس می‌کند. این حالت منشأ بسیاری از بیماریهای روحی و انحرافات اخلاقی می‌شود. در ده و شهر کوچک همه بکار هم آگاهند و رفتار یکدیگر مراقبت دارند. این نظارت مستقیم مانع عدول از شیوه جمعی و سنن قدیم می‌شود. در شهر این هشیاری بکار و رفتار دیگران میریزد. از این روجرم و گناه در شهر بسیار از ده رایجتر است. اگر بظاهر شهر حکم کنیم کثرت رفت و آمد را نشانه نیرومندی روابط اجتماعی در میان شهریان می‌گیریم. اما حقیقت جز این است. فراوانی برخورد دلیل قوت و صمیمیت دوستی نیست. احساس ناایمنی و بیگونی و ناسازگاری با محیط خود در شهر بسیار قوی است. در شهر زندگی جمعی و شرکت در انجمن های کوناگون بیشتر بیچشم می‌خورد اما شاید خود این تعلق فرد بگروههای متعدد سبب آن می‌شود که بهیچیک از آنها تنها دابسته و پابند نماید و با آسانی از یکی ببرد و بدیگری آمیزد. تزیید شماره و نسبت کارگران و طبقات متوسط از نتایج دیگر شهرنشینی است. نیرو گرفتن این طبقات خود باعث تغییراتی تازه می‌شود و از آن جمله است کسبختگی شیرازه خانواده وسیع «پدرسالاری»^۱ قدیم و نموداری خانواده کوچک «زن و شوهری»^۲ جدید. تسلط روز افزون شهرها بر زندگی مملکتی آداب و رسوم و اندیشه‌ها و تمایلات شهری را بنواحی روستائی سرایت می‌دهد و بنیان فرهنگ بومی را متزلزل می‌کند. بجای جامعه کهن که بنیادش بر سنت‌های دیرین نهاده شده بود جامعه‌ای پدید می‌آید که آئین رفتار خود را از آنچه مقبول اکثریت همعصران است استنباط می‌کند. جامعه روستائی بگذشته نگران است اما جامعه صنعتی با بنده چشم دارد.

در همه ممالک این «میل شهرنشینی» یکسان نبوده است. در کشور های صنعتی نسبت سکنه شهر به تمام جمعیت از ۶۰ تا ۸۰ درصد و گاه بیش تر است (انگلستان-آلمان-

۱- patrijarcal

۲- Coniugal

بلژیک). این نسبت در غالب کشورهای آسیا و آفریقا از ۲۰ و ۲۵ درصد تجاوز نمی کند و این کندی در ترقی شهرنشینی حتی در چهره روستائعی شهرهای این گونه ممالک منعکس است. این نکته را باید در این جا متذکر شد که تنها افزایش کثیر جمعیت يك یا چند شهر از کشورهای توسعه نیافته را نباید دلیل نیرومندی شهرنشینی در آنها گرفت زیرا در بسیاری از موارد، ازدیاد ابعاد این شهرها نه از جهت قدرت جذب و هضمی است که صنعت نوزاد این ممالک حاصل کرده است بلکه نتیجه تهاجم روستائیانی است که از دشواریهای زندگی دهقانی گریخته اند و فقر و «بیکاری پنهان» خود را از روستا آورده و بر مشکلات دنیای شهری افزوده اند. چنین شهرها اگر نخستین موج مهاجران را در آغوش خود راه دهد اما تا کزیر از دفع موجهایی است که از بی آن می آید. این تازه رسیدگان که به بیرون شهر رانده شده اند بر پیرامون آن حلقه می زنند و درون زاغه ها و ویران خانه ها وارد گاهها در انتظار کار بر می برند ۱ اگر با ما را نظر کنیم می بینیم که میان سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۵۰ تعداد ساکنان شهرهای صد هزار نفری یا بیشتر در آسیا از ۱۹۴ میلیون به ۱۰۵۶ میلیون رسیده است یعنی تقریباً پنج برابر شده در آفریقا این افزایش بنسبت ۶ برابر بوده است اما چنانکه گفتیم در این دو قاره با وجود تزايد جمعیت شهرها ترقی شهری و میل بشهرنشینی بقوت و اهمیت آن در اروپا نبوده است و علت عمده این تراکم را باید از دیاد سریع جمعیت در آن دو قاره و گریز بیهوده دهقانان از روستا بشهر دانست و نه پیشرفت شایسته صنعت و اقتصاد. در کشورهای توسعه نیافته جمعیت روستائی نیز متناسب جمعیت شهری فزونی یافته در حالی که در بیشتر ممالک مرفقی رقم جمعیت روستائی ثابت مانده و گاهی نیز بکاهش گراییده است. پس تنها در سرزمینهای اخیر است که از دیاد کل جمعیت را مترادف با پیشرفت شهرنشینی باید دانست. درباره ای از ممالک توسعه نیافته هنگامی که سیر بسوی شهرنشینی رخ نموده این تحول در همه نواحی هر مملکت یکسان و هماهنگ بروز نکرده است و همگام و متناسب با ترقی اقتصادی پیش نیامده و بسا که يك یا دو شهر غول پیکر در هر کشور اکثریت جمعیت شهرنشین را در بر گرفته و بهره مندی از قسمت عظیمی خدمات اجتماعی و اداری شهری را بخود اختصاص داده است. تمرکز جمعیت و ذخائر و منابع ثروت در این شهرهای سترک سدی بر رشد و نمای شهرهای متوسط می شود و از این راه پیشرفت صنعت و توسعه اقتصادی مملکت را که بوجود شهرهای نوع اخیر متکی است دشوار می کند.

دانشمندان اقتصاد فعالیت های اقتصادی را به دسته تقسیم می کنند: دسته اول بر فعالیت هایی چون شکار و کشاورزی مشتمل است دسته دوم آنهاست که با تغییر شکل مواد سروکار دارد و عبارت از استخراج معادن و صناعت است. دسته سوم شامل حمل و نقل و ارتباطات و خدمات و مشاغل آزاد است. بعقیده کولین کلارک^۲ تکامل اقتصادی بصورت تحول از دسته نخستین بسوی دسته سوم فعالیت ها حصول می پذیرد و اهمیت یافتن دسته های اخیر نشان

۱- Sour-prolérariat

۲- Colin Clark

شکفتگی و برومندی اقتصاد کشوری است. بنابراین نظر باید افزایش عدد کسایرا که در ممالک توسعه نیافته بفعالیت های نوع سوم خصوصاً کارگری آزاد و خدمات اداری می پردازند گواه ترقی اقتصادی دانست و حال آن که در این کشورها عدم رشد کافی صنعت سبب آن شده که روستائیان بشهر آمده از ناچاری بکارهای ناچیز آزادتن در دهند و بدین گونه بیکاری خود را بیوشانند. در معابر شهرهای چنین ممالکی همه روزه بمردانی بر می خوریم که در طلب کار سرگردانند یا بفروشد کسی کالائی بی بها، عاطلی خود را نمان می دارند و نه خود درآمد مکفی بدست می آورند و نه بتولید ثروت ملی مدد می کنند.

اگر از استثنائاتی چند چشم بیوشیم شهرهای ممالک توسعه نیافته را باید بیشتر مراکز تجاری و اداری بشماریم تا مراکز صنعتی. عوائد جماعت عظیمی از ساکنان این شهرها از سرچشمه داد و ستد خصوصاً بازرگانی با کشورهای توسعه یافته حاصل می شود. این تجارت بر پایه صدور مواد خام اولیه استوار است و نمراتش تنها عاید تجارت می شود بلکه سایر طبقات اجتماع را نیز بنوبت بهره ور می کند. بنابراین پیشرفت صنعت و اعتلاء درآمد ملی در کشورهای مترقی از علل غیر مستقیم توسعه گیری شهرها در کشورهای عقب مانده بشمار است. هر قدر میزان مصرف مواد اولیه در کشورهای نخستین بالا گیرد وضع اقتصادی شهرهای ممالک اخیر نیز بهبود می پذیرد. چنین وابستگی همیشه صلاح و صرفه مقرون نیست زیرا که بر اثر نوسانات و بحرانهای تجارت بین المللی، اقتصاد شهری کشورهای توسعه نیافته نمی تواند جز بر ارکان متزلزلی تکیه زند.

شاید گفته شود که در اروپا و ممالک متحده امریکای شمالی نیز بسیاری از شهرها که در سده پیش توسعه یافتند تنها جنبه مالی و اداری یا تجاری داشتند و از ترقی صنایع خصوصاً صنایع سنگین عاری بودند اما بعقیده ما باید متذکر بود که همزمان با توسعه این شهرها، پیشرفت صنعتی سریعی در شهرهای دیگری از همان ممالک (معمولاً در شهرهای متوسط) صورت بست و توسعه شهرهای تجاری و اداری باعث افزایش بسیار تولید صنعتی (و کشاورزی) امکان پذیر شد و نتیجه منطقی آن بشمار رفت در حالی که امروزه ترقی شهر نشینی در بسیاری از ممالک توسعه نیافته بیشتر با افزایش تولید صنعتی در کشورهای مترقی بستگی دارد تا بنیرویایی صنایع در خود آن ممالک.

اظهار نظر درباره تحولات آینده شهرنشینی در سرزمین های توسعه نیافته کار دشواری است و بهیچوجه نمی توان ادعا کرد که همانند پیشرفت شهری در اروپای قرن گذشته خواهد بود امروزه کشورهای توسعه نیافته در جهانی واقع شده اند و تحول می پذیرند که با دنیای قرن نوزدهم تفاوت های فاحش دارد. بعنوان نمونه بگوئیم که وقتی انقلاب صنعتی در باختر زمین روی داد همراه با توسعه تولید کشاورزی و استفاده از منابع کشورهای بکر آن سوی دریاها بود و بدین گونه توانست که مواد غذایی ضروری را برای جمعیت روزافزون شهر نشین

تهیه کند . اما در زمان حاضر در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته هر نوع پیشرفتی را که در تولید کشاورزی حاصل شود افزایش بی حساب جمعیت خنثی می کند از این رو تأمین غذا برای شهرهای این ممالک مسأله بفرنجی می شود و بسیاری از سرمایه‌هائی که برای توسعه اقتصادی لازم است برای وارد کردن مواد غذایی از خارج کشور بهدر می رود . نکته دیگر، آن که در قرن نوزدهم کشورهای رو بتوسعه برای يك بازار جهانی تولید کالا می کردند در این بازار بر رقابت عمده‌ای بر نمی‌خوردند در حالی که امروزه صنعت کشورهای کسه در راه ترقی افتاده‌اند در بازار جهانی با رقابت متزاید ممالک صنعتی قدیم روبرو است و در بازار داخلی نیز بعلمت محدودیت نیروی خرید مردم که اکثراً از طبقه روستائی هستند سهولت جریان و مصرف پیدا نمی کند يك تفاوت دیگر کشورهای توسعه نیافته در قرن بیستم نسبت بسده پیشین این است که مردم امروزه بامکان بهتر زیستن آگاهی کاملتر یافته‌اند و برای نیل باین مطلوب اشتیاق و شتابزدگی بیشتری نمایند . از این رو بسیاری از سرمایه‌ها که باید بکار تولید و عمران وقف شود صرف تجمل و خوشی زندگانی می‌شود . گذشته از آن خدمات و تأسیساتی که لازمه شهرنشینی در قرن حاضر است (برق - لوله کشی - سازمان بهداشتی و قس علی هذا) بسیار دامنه دارتر و گرانبها تر از آنهاست که درسده قبل خواسته می شد . عللی که یاد شد و عللی که بجای خود خواهد آمد باعث آن می‌شود که غالباً توسعه شهرنشینی در ممالک مذکور بوضعی غیرطبیعی و نامتناسب رخ دهد و معضلات گرانی در کارمملک داری پیش آورد .

«بقیه دارد»

جمشید بهنام - شاهیپور راسخ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آرزو

خواهم شبکی چنانکه تودانی و من بزمی که دران بزم تو وامانی و من
من بر سر بسترت بخوابانم و تو آن فرگس مست را بخوابانی و من
(سلمان ساوجی)